

ماهنامه ریسک کشوری اکتبر ۲۰۰۹

گروه ریسک کشوری و همکاریهای بین المللی



صندوق ضمانت صادرات ایران



روسیه



امارات



بویوی



برزیل



رومانی



استونی



پاکستان



چین



سودان



بوتسوانا

آبان ماه ۸۸

آفریقا

بوتسوانا: پیروزی حزب دمکراتیک حاکم در انتخابات

وقایع: در ماه اکتبر دهمین انتخابات عمومی بوتسوانا از زمان استقلال آن در سال ۱۹۶۶ برگزار گردید. در این انتخابات، حزب حاکم (حزب دمکراتیک بوتسوانا BDP)، ۴۵ کرسی از ۵۷ کرسی حاضر در مجلس را بدست آورد که این تعداد بیشتر از ۴۴ کرسی متعلق به حزب مذکور در انتخابات سال ۲۰۰۴ بود. پیروزی قاطع حزب دمکراتیک، رئیس جمهور، یان خاما^۱ را قادر ساخته تا دوره ریاست جمهوری خود را تمدید نماید. این در حالی است که او کابینه جدید خود را نیز قبلاً معرفی کرده و ترمیم کابینه نیز انجام شده است. با این حال نتیجه انتخابات در مجموع، تداوم روند کنونی را نوید می‌دهد.

تاثیر بر ریسک کشور:

گرچه رئیس‌جمهور «یان خاما» بطور موفقیت‌آمیزی رهبری خود را تثبیت نموده اما او اکنون با وظیفه دشوار به تحرک درآوردن اقتصاد بوتسوانا مواجه می‌باشد. کاهش تقاضای جهانی برای کالاها و سقوط قیمت‌های الماس به بخش الماس که برای اقتصاد این کشور حائز اهمیت می‌باشد، آسیب رسانده است. همچنین درآمدهای ارزی و مالی بشدت کاهش یافته و تولید ناخالص داخلی با کاهش ۱۰ درصدی در سالجاری روبرو خواهد شد. دولت بوتسوانا به منظور تامین مالی کسری بودجه و اجرای تعدادی از پروژه‌های بزرگ انرژی، دست به سوی وام دهندگان بین‌المللی دراز کرده است. از اینرو نیاز به

^۱ – Ian Khama

تنوع بخشی اقتصاد و کاهش وابستگی به بخش الماس احساس می شود. بنابراین برغم ثبات حزب دموکراتیک، ریسک کشور بدلیل وجود موانع اقتصادی افزایش یافته است.

سودان: تأیید تحریمها بر ضد سودان برغم اعلام سیاست فعالانه جدید از سوی آمریکا

وقایع: اوباما رئیس جمهور آمریکا برای قانع کردن دولت سودان به منظور اجرای مفاد موافقتنامه صلح که در سال ۲۰۰۵ بین شمال و جنوب سودان به امضاء رسیده، رویکرد دوگانه ای را در قبال این کشور در پیش گرفته است. او گرچه سیاست فعالانه جدیدی را پیشنهاد نموده اما اخیراً با این ادعا که سیاستهای دولت سودان هنوز تهدیدی نسبت به امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا محسوب می شوند، تحریمها بر ضد این کشور را تمدید کرده است

تأثیر بر ریسک کشور:

تنشها بین شمال سودان و جنوب غنی از نفت این کشور، در آستانه برگزاری رفراندومی که پس از آن احتمال استقلال جنوب سودان وجود دارد، افزایش یافته است. کشور چین، تامین مالی پروژه های زیربنایی سودان که امکان صادرات نفت جنوب این کشور از طریق کنیا را فراهم می کند، مورد توجه قرار داده است. چنانچه این پروژه ها ادامه یابند روابط بین کنیا و سودان تیره تر خواهد شد. ذخایر نفت سودان حائز اهمیت هستند اما شرایط سیاسی و امنیتی مانعی بر سر راه توسعه ظرفیتهای این کشور محسوب می شود.

چین: افزایش توسعه اقتصادی در سه ماهه سوم سال

وقایع: رشد اقتصادی چین در سه ماهه سوم سال در مقایسه با سال قبل در همین مدت زمان به ۸/۹ درصد رسید (رشد سه ماهه دوم معادل ۷/۹٪ بود)، که این امر تاییدی بر تسریع رشد اقتصادی این کشور می باشد. با توجه به آمار فوق، دستیابی به رشد هدفگذاری شده دولت چین به میزان ۸٪، تا پایان سال امکان پذیر می نماید. همچنین در حالیکه نرخ کاهش صادرات تقریباً متوقف گردیده، که این امر در چند ماه گذشته برای میلیونها کارگر مهاجر این امکان را فراهم آورده تا شغل های جدیدی پیدا کنند، ولی عامل اصلی رشد سریع اقتصادی، هزینه های عمومی گسترده و وامدهی بانکی می باشد. شایان ذکر آنکه مقامات این کشور در تلاش برای محدود کردن تعداد پروژه های بی فایده و کم ارزش، به بانکهای دولتی دستور دادند تا وامدهی به شش صنعت بزرگ چین را که با ظرفیت اضافی روبرو هستند، کاهش دهند.

تأثیر بر ریسک کشور:

بهبود اقتصادی چین از بحران جهانی سریع بوده است. در عین حال مقامات این کشور احتمالاً در سه ماهه اول سال ۲۰۱۰، به تدریج مجبور خواهند شد محدودیتهایی را برای بسته‌های تشوقی بزرگ (۵۸۵ میلیارد دلاری) قائل شده و سیاستهای انقباضی را در مورد وامدهی سیستم بانکی (بیش از ۱/۲۵۰ میلیارد دلار از ژانویه ۲۰۰۹) و شرایط پولی اعمال نمایند. همچنین تغییر در سیاستها، برای جلوگیری از بروز مسئله ظرفیتهای اضافی، کاهش ریسک حباب قیمت دارایی (املاک و سرمایه) و محدود کردن افزایش وامهای بد بانکها، ضروری می باشد. وابستگی بیش از حد به سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و سهل بودن اخذ اعتبارات از بانکهای دولتی در شرایط فعلی، پایدار نخواهند بود. بنابراین دیر یا زود افزایش سهم مصرف داخلی در رشد اقتصادی همراه با تداوم کاهش ارزش پولی ملی چین - ریمیمی - ضروری خواهد بود.

پاکستان: موج جدید خشونت بدنبال اقدام ارتش برای کنترل وزیرستان جنوبی

وقایع: حملات هماهنگ شبه نظامیان به شهرها و مناطق مختلف از جمله اسلام آباد، پشاور، راولپندی و دره سوات^۱ تشدید شده است که این امر نشان‌دهنده تقویت شبکه طالبان می‌باشد. حملات مذکور با هدف بی ثبات سازی دولت پاکستان صورت می‌گیرد. این در حالی است که پاکستان بمدت طولانی از طالبان و سایر شبه نظامیان به منظور اعمال نفوذ در افغانستان و هند حمایت کرده است. در خلال سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نفوذ طالبان از کوههای دوردست تا منطقه سوات (نزدیک پایتخت، اسلام آباد) گسترش یافت. با وجود آنکه در ابتدا رئیس جمهور زرداری که در ماه مه ۲۰۰۸ به ریاست جمهوری برگزیده شد ظاهراً برای هرگونه اقدام در این زمینه اکراه داشت، اما حملات بر ضد شبه نظامیان سوات که سرانجام در مه ۲۰۰۹ آغاز شد اکنون در حال افزایش می‌باشد. شایان ذکر آنکه در اواخر اکتبر ۲۰۰۹ ارتش پاکستان اعلام نمود که در حملات خود به وزیرستان جنوبی و کنترل کوتکای^۲ (زادگاه یکی از رهبران طالبان) پیشرفتهایی داشته است.

تأثیر بر ریسک کشور:

بی‌ثباتی سیاسی احتمالاً موضوعی اساسی خواهد بود. حتی اگر رهبران سیاسی ظاهراً برای مقابله با شبه نظامیان متحد شوند، حزب مسلم لیگ پاکستان و رهبر آن نواز شریف احتمالاً از هر فرصتی برای پیروزی

^۱ -Swat Valley

^۲ -Kotkai

در انتخابات آینده استفاده خواهند نمود.. اقتصاد پاکستان نیز شکننده می‌باشد، بطوریکه صندوق بین‌المللی پول در نوامبر ۲۰۰۸ برای ممانعت از بحران تراز پرداخت ها در پاکستان اقدام به مداخله نمود. از آن زمان به بعد با توجه به میزان مناسب ورود حواله‌جات و کاهش وارداتی که فراتر از کاهش صادرات بود، کسری حساب جاری روند نزولی یافته است. همچنین انتظار می‌رود رشد تولید ناخالص داخلی از ۲٪ در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ تا ۳٪ در سالهای ۲۰۰۹-۲۰۱۰ افزایش یابد. در عین حال چالشهای بزرگ نظیر ایجاد ثبات مالی همچنان مطرح می‌باشند.

استونی: امیدواری صندوق بین‌المللی پول نسبت به ورود استونی به منطقه یورو در سال ۲۰۱۱

وقایع: صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین ارزیابی خود از وضعیت اقتصادی استونی، ضمن تمجید از اقدامات مالی دولت و اجرای اصلاحات ساختاری، محدودیت بیشتر وابستگی بودجه به تغییرات اقتصادی را درخواست نمود. همچنین صندوق اعلام نموده که پیوستن استونی به منطقه یورو در سال ۲۰۱۱ می‌تواند محقق گردد، که البته این موضوع به تصمیم اتحادیه اروپا بستگی دارد. این در حالی است که با وجود بدهی عمومی اندک و روند نزولی قیمت‌ها (ضدتورمی) در استونی، کسری بودجه، مانع اصلی برای ورود به این منطقه خواهد بود، زیرا بر اساس پیمان ماستریخت تنها در صورت برخورداری از کسری ۳ درصدی تولید ناخالص داخلی، امکان پیوستن به این منطقه وجود خواهد داشت.

تأثیر بر ریسک کشور:

استونی بدلیل بدهی عمومی اندک و مقداری ذخایر مالی، بهتر از همسایه مشکل‌دار خود لتونی، توانست از بحران عبور کند و چشم‌انداز مثبت پذیرفته شدن این کشور در منطقه یورو، منعکس کننده این تمایز می‌باشد. اگرچه پذیرش یورو، عمدتاً بدلیل تمایل برای تثبیت بدهی‌های یورویی این کشور، شدیداً مورد استقبال استونی است، اما راه حل همه‌جانبه برای مشکلات این کشور محسوب نمی‌شود. صندوق بین‌المللی پول انتظار دارد رشد اقتصاد استونی بمیزان شوک آور ۱۴ درصد در سال جاری کاهش یابد. بنابراین رئیس‌جمهور - تالین - باید محتاط باشد که روند بهبود کند فعلی را قربانی چشم‌انداز پیوستن هرچه سریعتر به منطقه یورو ننماید. همچنین از آنجائیکه ارزش کرون هنوز بیش از ارزش واقعی آنست، تبدیل سیستم پولی این کشور به یورو ممکن است کاهش ارزش پول داخلی را تداعی کند.

رومانی: منتج شدن نزاع سیاسی به سقوط دولت قبل از انتخابات

وقایع: دولت نخست وزیر، «امیل بوک»¹، نتوانست آنقدر دوام بیاورد تا بتواند اولین سال به قدرت رسیدن خود را جشن بگیرد. «بوک» با برکناری یک وزیر ائتلافی سبب سقوط دولت ائتلافی خود گردید زیرا بدنبال این اقدام مجلس رومانی به دولت رای عدم اعتماد داد. شایان ذکر آنکه احزاب مخالف که دو سوم کرسیهای مجلس را در اختیار دارند، به احتمال قوی به هر کابینه‌ای که همراه با کابینه قبلی باشد، رای اعتماد نخواهند داد و بجای آن خواستار اداره امور، توسط تکنوکراتها خواهند شد.

تأثیر بر ریسک کشور:

وقوع نزاع سیاسی در این کشور بدلیل نزدیکی شدن به انتخابات ریاست جمهوری است که قرار است اواخر ماه نوامبر برگزار شود و در آن حامی «بوک» آقای «تریان باسکو»² امیدوار است برای دومین دور بعنوان رئیس جمهور انتخاب گردد. معهدا آشفتگی سیاسی باعث خواهد شد که اوضاع دشوار اقتصادی از کانون توجه خارج شود. رومانی به کمک ۲۰ میلیون یورویی صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا که تنها نیمی از آن تاکنون پرداخت شده وابسته می‌باشد. با این وجود دولت در حال گذر، برغم اعتراضات عمومی، اقداماتی را برای تقویت وضعیت مالی که پس از سالها هزینه‌های عامه‌پسند، ضعیف شده بود، اتخاذ کرده است. لازم به ذکر است که گرچه احزاب مخالف خواهان مذاکره مجدد در مورد موافقتنامه صندوق هستند، اما برای تداوم دسترسی به امکانات صندوق بین‌المللی پول، تعدیلهای ساختاری بیشتری ضروری می‌باشد. همچنین در حال حاضر مقامات رومانی به سختی می‌توانند حقوق و مستمری بازنشستگی را پرداخت نمایند و در صورتی که کمکهای خارجی قطع گردد، آنها با ریسک تمام شدن منابع مالی مواجه می‌باشند.

آمریکای لاتین

برزیل: وضع مالیات بر فعالیتهای مالی توسط دولت

وقایع: مقامات برزیل اخیراً اقدام به وضع مالیات بر روی ورود منابع مالی کرده‌اند. این مالیات در مورد ورود منابع مالی کوتاه و بلند مدت اعمال می‌گردد ولی ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شامل

¹ – Emil Boc

² – Traian Basescu

نمی‌شود. در ماههای اخیر ارزش رئال برزیل در برابر دلار آمریکا افزایش یافته که منجر به تضعیف رقابت‌پذیری خارجی این کشور شده است.

تأثیر بر ریسک کشوری: در سه ماهه چهارم سال ۲۰۰۸ ارزش رئال برزیل در برابر دلار آمریکا کاهش یافت. اما این روند در سال ۲۰۰۹ بدلیل آنکه برزیل بسیاری از اقتصادهای نوظهور را در خلال بحران اقتصادی پشت سر گذاشت، معکوس گردید. حتی اگر مالیات جدید باعث بروز نگرانی‌هایی شود اما بعید است در آینده نزدیک وضعیت ریسک‌های سیاسی بطور قابل ملاحظه‌ای بدتر شود.

بولیوی: تعلق تمام امتیازات لیتیوم به دولت

وقایع: در سال ۲۰۰۶ دولت بولیوی شروع به خصوصی سازی بخش هیدروکربن نمود که بدنبال آن ملی شدن بخشهای انرژی و مخابرات نیز آغاز شد. در اواسط سال ۲۰۰۹ رئیس جمهور مورالس اظهار داشت که ملی شدن بخش برق در آینده نزدیک تکمیل خواهد شد. همچنین دولت بولیوی اعلام کرده که تمام امتیازات انحصاری لیتیوم قرار است به دولت تعلق گیرد. اعلام موارد مذکور در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ماه دسامبر مایه تعجب نیست، اما احتمالاً مایه فراری دادن سرمایه‌گذاران بالقوه خواهد بود. از طرفی دیگر کشف منابع لیتیوم در سپتامبر ۲۰۰۸ (فلزی که کاربرد زیادی در باتری‌ها دارد) توجه سرمایه‌گذاران خارجی را به بولیوی جلب نموده است. البته همزمان با این موضوع ذخایر مهم جدیدی در مکزیک نیز کشف شد که ممکن است توجه سرمایه‌گذاران را از بولیوی به سمت مکزیک جذب کند.

تأثیر بر ریسک کشور:

چنانچه مورالس در دسامبر ۲۰۰۹ مجدداً انتخاب شود- که بسیار نیز مورد انتظار می‌باشد- او احتمالاً برنامه‌های سوسیالیستی خود را با قوت بیشتری پیگیری می‌نماید که این امر بواسطه تسهیم سود پروژه با دولت و نیز وجود ریسک سلب مالکیت، باعث گرانت شدن سرمایه‌گذاری در این کشور خواهد شد. نکته مثبت بولیوی آن است که این کشور نسبت به گذشته از محیط اقتصادی باثبات تری برخوردار می‌باشد. تجربه نشان داده که بولیوی بدلیل سطح پایدار بدهی‌های خارجی و مازاد حساب جاری، در برابر شوکهای خارجی بخوبی واکنش نشان می‌دهد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۹ احتمالاً به ۲/۸٪ خواهد رسید.

امارات متحده عربی: ارزیابی گزینه های مختلف برای انجام تعهدات دبی

وقایع: شرکتهای مشکل دار دبی، Dubai World و Dubai Holding، که وابسته به دولت نیز می باشند، فعالیتهای خود در حوزه ملک و املاک را سامان دهی کرده اند. شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه Dubai World که ناظر بر فعالیتهای شرکت شدیداً بدهکار «نخیل» (شرکت سازنده املاک) می باشد، فروش برخی از دارایی هایش را مد نظر قرار داده است. همچنین حکومت دبی اعلام نموده که ۱۰ میلیارد دلار دوم از ۲۰ میلیارد دلار اوراق قرضه را تا قبل از پایان سال جاری خریداری خواهد نمود، اما این بخش دوم اوراق هنوز انتشار نیافته اند. بانک مرکزی امارات، که مورد حمایت حکومت ابوظبی است، بخش اول این اوراق را در ماه فوریه خریداری نمود و انتظار می رود که بخش دوم را نیز خریداری نماید. شایان ذکر است حکومت مرکزی دبی در نظر دارد از خارج از امارات نیز مقداری منابع مالی بدست آورد. بر طبق گزارش رسانه ها، دبی قصد دارد ۶/۵ میلیارد دلار تامین مالی بدست آورد.

تاثیر بر ریسک کشور:

اقتصاد دبی و بطور خاص بخش املاک از اواخر سال ۲۰۰۸ آسیب دیده است. رشد اقتصادی دبی برای سال ۲۰۰۹، ۳٪- برآورد شده و احتمال دارد سال آینده به رشد مثبت ۲/۳٪ برسد. گرچه بنظر می رسد اعتماد به بازار رو به بهبودی است، اما ابهام فزاینده ای وجود دارد که آیا وجوه کافی برای نجات دادن تمام شرکتهای عمومی فراهم خواهد بود؟ گذشته از مسائل فوق، نیازهای تامین مالی کوتاه مدت دویی نیز بسیار زیاد می باشد. تحلیل گران برآورد می کنند که دبی قرار است ظرف سالهای آینده حدود ۵۰ میلیارد دلار از بدهی خود را تسویه کند. بطور اختصار باید گفت ریسکهای شرکتی در دبی بالا هستند و این موضوع شدیداً در تضاد با شرایط سیاسی مطلوب امارات قرار دارد که شرایط مذکور عمدتاً بدلیل دارایی های فراوان خارجی ابوظبی حاصل شده اند.

روسیه که بیش از پیش به اعتبارات خارجی ارزان و قیمت‌های بالای کالا وابسته می‌باشد، بواسطه بحران مالی و اقتصادی، با کاستیهای اصلی مدل اقتصادی خود مواجه شده است. بحران اعتباری جهانی منجر به خروج ناگهانی و بسیار زیاد سرمایه‌ها شده که این روند برعکس جریان ورود قابل توجه سرمایه در سالهای قبل بعنوان عامل اصلی رشد سریع سرمایه‌گذاری و مصرف در آن سالها بود. افت قیمت نفت و دیگر کالاها دومین شوک خارجی را به اقتصاد این کشور وارد کرده است. ضعفهای ساختاری اقتصادی تاثیر این شوکهای خارجی را چند برابر کرده و روسیه را در رکود شدید و گسترده ای فرو برده است. طی نه ماهه نخست، تولید ناخالص داخلی روسیه در مقایسه با سال گذشته ۱۰٪ کاهش داشته است. اگرچه این نرخ طی سه ماهه سوم در مقایسه با همین مدت زمان در سال گذشته ۹/۴٪ بوده، اما بهبود اندک آن در مقایسه با سه ماهه دوم سالجاری نشاندهنده رشد اقتصادی در این کشور بوده که این امر حاکی از آنست که با توجه به بهبود شرایط تجاری این کشور، روسیه به تدریج در حال خروج از رکود فعلی می‌باشد. در مقایسه با میانگین رشد ۷ درصدی طی دهه گذشته، کاهشی حدوداً ۸ درصدی برای کل سال ۲۰۰۹ انتظار می‌رود.

کالاهای سرمایه‌ای قدیمی افزایش سرمایه‌گذاریها را طلبیده و حاکی از وابستگی اقتصادی به سرمایه‌گذاریهای خارجی است.

علی‌رغم برخی اصلاحات نوید بخش در اوایل دوره تصدی آقای پوتین، خط مشی اقتصادی او بر بخش کالاها و معکوس نمودن آشفتگی و نابسامانی‌های حاصل از خصوصی سازیهای دهه ۹۰ متمرکز بوده است. شرکتهای دولتی غالباً بر بخشهای کلیدی اقتصاد روسیه حاکم هستند. درآمد روز افزون حاصل از صادرات انرژی، برای خلق صنایع و شرکتهای برتر ملی در بخش کالاها و صنایع سنگین بکار گرفته شده، این در حالیست که توجه اندکی بر تنوع سازی اقتصاد و بهبود محیط سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته است. اقدامات انجام گرفته برای مقابله با بحران جهانی، سهم دولت روسیه در اقتصاد را به بیش از ۵۰٪ افزایش داده است.

روسیه با مشکلاتی همچون وجود کالاهای سرمایه‌ای غالباً قدیمی و به میزان ناکافی، نیاز مبرمی به سرمایه‌گذاریهای بزرگ دارد. صنایعی که در زمان شوروی سابق بسیار ممتاز بودند با وجود رقبات خارجی دارای تکنولوژی بسیار پیشرفته، از رونق افتاده‌اند. از آنجاکه کشور با کمبود بازارهای داخلی سرمایه برای تامین مالی بلندمدت مواجه می‌باشد، شدیداً به سرمایه‌گذاری خارجی وابسته شده است.

البته در مقایسه با دیگر کشورهای همتا در منطقه و سایر اقتصادهای نوظهور، این میزان وابستگی در سطح کمی می باشد. حجم بالایی از ورود سرمایه ها در سالهای گذشته را غالباً وامها تشکیل میدادند تا سرمایه‌گذارهای مستقیم که معمولاً پایدارتر میباشند. این امر توجیحی بر بازگشت حجم بالا و ناگهانی سرمایه از روسیه است که بواسطه روگردانی شدید بازارهای بین‌المللی از بازارهای نوظهور و درخواست عودت وامها پیش آمده است. نیاز به سرمایه‌گذاری خصوصاً در بخش حیاتی انرژی بسیار بالاست. اگرچه این کشور دارای منابع وسیع نفت و گاز می‌باشد، با این حال احیای سرمایه‌بر میدین برای جبران منابع روبه پایان امری بسیار ضروری است. رشد تولیدات نفت و گاز رو به کاهش بوده و اخیراً رشد منفی داشته است. موانع بروکراتیک، محیط کلی سرمایه‌گذاری و سیستم مالیاتی عوامل اصلی عدم جذب سرمایه‌گذاری در این کشور است.

مشکلات بخش بانکی می‌تواند بحران را به درازا بکشد.

درآمدهای مالی همراه با نرخ بهره روبل، میزان صادرات، رشد اقتصادی و بازار بورس همگی منوط به تغییرات قیمت جهانی نفت می‌باشند. از این رو به نظر می‌رسد تنوع بخشی به ساختار اقتصادی هدف اصلی سیاستگذاران روسی باشد. رئیس جمهور «مدودف» در همین اواخر وابستگی روسیه به مواد خام را در قالب واژه‌هایی چون «تحقیق‌آمیز» و «بی‌تمدن» توصیف نموده است. با وجود درهم پیچیدگی سیاست‌ها و بخش کالایی، اقدام سیاستگذاران در جهت تنوع بخشی به ساختار اقتصادی در پرده ابهام قرار دارد.

در حال حاضر مشکل اصلی، بخش بانکی کشور است. روسیه ۱۱۰۰ بانک دارد که بسیاری از آنها دارای سرمایه بسیار اندک بوده و شدیداً در معرض خطر ناشی از زیان‌های مالی وارده به یک بخش یا حتی یک شرکت بزرگ قرار دارند. دخالت شدید دولت باعث شده تا این بخش بدون زیان‌های عمده به مسیر فعالیت خود ادامه دهد. البته کیفیت دارائی‌ها نامطلوب‌تر گردیده که این خود می‌تواند انگیزه‌ای برای دور دوم بحران در بخش بانکی کشور باشد. این امر بدین معناست که وام دهندگان باردیگر اعطای اعتبار را متوقف خواهند نمود و این خود باعث کند شدن روند گذار از بحران خواهد شد. اقدامات ضد بحران که توسط دولت انجام می‌شوند، ریسک بدتر شدن اوضاع بودجه‌ای را در پی خواهد داشت و این به معنای افزایش کسری غیر نفتی و عدم توانایی در تجدید ذخایر مالی لازم به منظور محافظت از اقتصاد در برابر نوسانات آتی قیمت کالاها می‌باشد. در حال حاضر ذخایر موجود در حال تهی شدن هستند و دولت تلاش می‌کند تا کسری موجود را تأمین مالی نماید. بحران بین‌المللی، شکاف‌های عمیق مدل رشد روسیه را آشکار نموده و رهبران کشور را با چندین مشکل ساختاری مواجه ساخته است. البته با وجود رشد

قیمت نفت و خروج تدریجی روسیه از بحران، فوریت این مسئله کمرنگ می‌گردد. این امر تهدیدی است به آنکه اصلاحات رادیکال اما ضروری یک بار دیگر به تعویق بیفتد و این نیز به نوبه خود می‌تواند در بلندمدت منجر به رکود اقتصادی گردد.

صندوق ضمانت صادرات ایران بعنوان اولین موسسه اعتبار صادراتی تاسیس شده در خاورمیانه با صدور انواع بیمه نامه ها، ضمانت نامه‌ها و ارائه سایر خدمات مالی از صادرکنندگان کشور حمایت می‌نماید. در بیمه‌نامه‌ها ریسک عدم وصول مطالبات صادرکنندگان، سرمایه‌گذاران و یا بانکهای تامین مالی کننده ایشان از خریداران خارجی و بانکهای خارجی در بازارهای هدف تضمین می‌گردد. ضمانتهای صندوق نیز به صادرکنندگان در جذب تامین مالی از بانکها، قبل و بعد از حمل کمک می‌نماید. اعتبار سنجی خریداران خارجی و سایر خدمات صندوق نیز در بسیاری از موارد راهگشای صادرکنندگان، سرمایه‌گذاران و بانکهای ایرانی فعال در حوزه صادرات می‌باشد. نقشی که این موسسه در ایران ایفا می‌نماید همان نقشی است که در آلمان بر عهده هرمس، در ایتالیا: ساچه، در فرانسه: کوفاس، در ژاپن: *Nexi* و در چین بر عهده *Sinosure* قرار دارد. واحد ریسک کشوری و همکاریهای بین المللی بمنظور کاهش ریسک صادرات و سرمایه‌گذاری ایرانیان در سایر کشورها و همچنین اطلاع رسانیهای لازم، ضمن ارزیابی ریسک بانکها و کشورها، اقدام به تهیه یا ترجمه گزارشات مختلف در حوزه‌های ریسک کشوری، اوضاع اقتصادی و سایر موارد مرتبط می‌نماید.

پست الکترونیکی: intl@egfi.org

وب سایت: www.egfi.org.ir